

آرزوهای جدید و توصل به نسخه های کهنه !



نوشته ای از محمد امین فروتن

سرویس پشتوی رادیو بیرون مرزی جمهوری اسلامی ایران در استانه انعقاد کنفرانس کشور های غیر متعهد ها با محمد امین فروتن یکتن از تحلیل گران و کارشناسان امور افغانستان و خاورمیانه ! مصاحبه ای را بزبان پشتو انجام داده است اینک برگردان دری آن خدمت خواننده گان ارجمند تقدیم میگردد

جناب آقای فروتن ! چنانچه میدانید اجلاس سران کشور های غیرمتعهد در تهران برگزار میگردد ، شما این گردهم آیی را بحیث یک سیاستمدار برجسته و صاحب نظر چگونه ارزیابی میکنید ؟ و اینکه این مرتبه این گردهم آئی درتهران برگزار می گردد ، اهمیت آنرا چگونه می بینید ؟

به نظر من کفرانس و یاهم جنبش کشور های غیر متعهد در دوران جنگ سرد و در مقابل قدرت های بزرگ بوجود آمده بود ، آنگاهی که در یک طرف ایالات متحده امریکا و بطرف دیگر اتحاد جماهیر شوری قرار داشتند و جهان را در میان خویش تقسیم نموده بود و در این میان یکتعداد کشور های که می خواستند بصورت آزادانه باندیشند ، آنها در مقابل دو قدرت بزرگ به سطح کشور ها جنبش و حرکتی بنام غیر متعهد را به میان آوردند که تا هنوز هم وجود دارد . مگر مسأله اصلی این است که اکنون که نگاه و انگیزه وجودیی نهضت غیر متعهد ها با سقوط اتحاد جماهیر شوروی وقت تغییر یافته و از اینکه دوران جنگ سرد به پایان رسیده است لزوماً باید جنبش کشور های غیر متعهد ها نیز در برابریگانه ابر قدرت بزرگ با نگاه و استراتژیی تازه ای انسجام یابد . بدون شک این امر زمانی ممکن است که نگاه نهضت کشور های غیر منسلک متوجه نظام معاصر سرمایه داری گردد ، زیرا ما نه میتوانیم که با دیدگاه کلاسیک و با انگیزه ای که نهضت کشور های غیر متعهد به رویت آن عرض اندام کرده است در دنیای جدید حضور پیدا کنیم . کشور های غیر متعهد باید آن انگیزه را تغییر دهند و با انگیزه نوین ملمع کاری شود و در مجموع باید انگیزه ها و اهداف وجودیی نهضت کشور های غیر متعهد را با نگاه نو مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرند . آنگاه امید وار خواهیم بود که نهضت کشور های غیر متعهد نیز در برابر نظام سرمایه داری معاصر چیزی برای گفتن داشته اند . اما بیایم به پاسخ این قسمت پرسش تان که تأثیر بالقوه برگزاری این کنفرانس در تهران چگونه و چه خواهد بود ، به اعتقاد و باور من

ایران از جمله کشور های است که حرفی برای گفتن دارند میتواند که به این جنبش روح معنویت را تزریق و تقویت کند و بر مبنای اندیشه ای که در دنیای معاصر باید جنبش کشور های غیر منسلک حضور داشته باشد در آن نیرو و استحکام ببخشد .

جناب آقای فروتن ! شما به مسأله ای اشاره کردید ، که اکنون که انگیزه و فلسفه وجودی دو ابر قدرت پایان یافته است و ایالات متحده امریکا بصورت یکه تاز حقوق کشور ها را غصب میکنند ، در برابر چنین یکه تازی های امریکا باید نهضت کشور های غیر متعهد با نگاه و طرح نو تعریف یابد و با طرح محور ها و استراتژی جدید که متناسب با اهداف استعماری امریکا بوده باشد روح جدیدی حاصل کنند ، نظر شما این است ؟

بلی هدف من همین است ! مگر با این افزونی که در جهان معاصر کنونی هر حرکتی را که ایجاد میکنیم و یا هم حرکت ها و نهضت های گذشته را پالایش می نمائیم باید با انگیزه جدید و به اقتضای شرائط نو جهان امروزی عمل کنیم . نهضت کشور های غیر منسلک نیز که با انگیزه های قدیم و در دوران جنگ سرد بوجود آمده است باید بصورت دقیق ، بازسازی شده و روح آن در برابر نظام سرمایه داری معاصر قرار گیرد . و این امر زمانی محتمل است که نهضت کشور های غیر منسلک با تفکر نسبتاً واحدی بدور از توهومات بصورت منطقی، علمی و عقلانی نیاز های انسان معاصر را پاسخ دهد و در برابر نظام سرمایه داری معاصر الیزناتیو و بدیلی را عرضه کند .

آقای فروتن ! آیا میتوان اطمینان داشت که به راستی هم نهضت کشور های غیر متعهد کنونی میتوانند بصورت مستقلانه در جهان امروزی که در زیر تیررس بسیاری از بحرانهای فاجعه آور قرار دارد ، نقش سرنوشت ساز ایفا کنند ؟

من بر این باور هستم که تعداد قابل ملاحظه ای از کشور های که در کنفرانس کشور های غیر متعهد ها حضور دارند ، نامنسلک و غیر وابسته نیستند زیرا میتوان گفت که اکثریتی از آنها بیش از گذشته و قدیم « وابسته و غیر متعهد!! » اند بطور مثال افغانستان که به دلایل مختلف حقوقی و سیاسی از حضور مستقل در اجلاس کنفرانس کشور های غیر متعهد بهره مند نیست . و چنین اراده از انسان باشنده قلمرو افغانستان گرفته شده است مگر در مجموع از چندین سال به دینسو بر ظواهر و تشریفات ترکیب بعمل آمده است و با همان نگاه قدیم دوران جنگ سرد به عنوان یک عضو مستقل « جنبش کشور های غیر متعهد » باقی مانده است ، چه کسی گفته میتواند که افغانستان بصورت واقعی کشور مستقل است ؟ بدون شک که افغانستان با هزاران معضلات درونی و بومی خود پنجه نرم میکند و لزوماً باید در گام اول با اصلاحات ساختاری و بنیادی بر دشواری های خود نائل آید و سپس برای حل معضلات و مشکلات کشور های دیگر بر تریبون های حقوقی ، منطقه ای و جهانی منجمله « کنفرانس کشور های غیر متعهد » حضور به هم رساند . بدون شک که حضور کشور های چون افغانستان و دیگر کشورها مانند پاکستان و غیره نمائشی بوده است . و به گمان غالب اوضاع عمومی نیز به سمتی میرود که از تدویر « کنفرانس کشور های غیر منسلک » نیز استفاده ابزاری صورت گیرد . و با صدور یک قطعنامه تنها نقش اخلاقی را ایفا کند . البته ایفای تنها نقش اخلاقی نه مطلوب است و نه هم مناسب ! زیرا هرگونه حرکتی که در جهان معاصر پدید می آید و ایجاد می شود باید نسبت به راه حل های موجود در جوامع بشر

، جامع ، منطقی و بر اسلوب های عاقلانه تری استوار باشند . به نظر من میان اعضای شامل در « کنفرانس کشور های غیر متعهد ها » این گونه اندیشه و تفکر به نظر نه می خورد .

آقای فروتن ! آیا حضور چنین کشور های که به قول شما غیر منسلک نیستند مگر در کنفرانس کشور های غیر متعهد حضور دارند بر فیصله های کنفرانس میتوانند تأثیری با ندادد ؟

باید این پرسش را در پرتو تأثیر گذاری عمومی « کنفرانس کشور های غیر متعهد ها » بر اوضاع و احوال کنونی جهان پاسخ داد . زیرا می بینیم که اقتضای شرائط کنونی جهان با آنچه که این « جنبش » با توجه به آن در سطح جهان دوران جنگ سرد عرض اندام کرده بود متفاوت است ، بطور مثال کشور مصر که طی یک مقطع ریاست دوره ای این جنبش را بر عهده داشت و تا اکنون نیز ریاست آنرا بر عهده دارد ، حال و اوضاع عمومی از کنترل آنها برآمده است و اوضاع در تمامی خاورمیانه با بهار عربی به دیگ جوشانی تبدیل شده است که بدون خواست ایالات متحده امریکا ، و روسیه کنونی ، و حتی میتوان گفت مغائر با پیش بینی های کارشناسان زبده جهان عرب به شمول قدرت ها و حرکت های که در نتیجه این خیزش های مردمی عرض اندام کرده اند . بدون شک اگر « جنبش کشور های غیر متعهد » کنترل هر چند مصنوعی و مؤقت بر اوضاع می داشت ، از خیزش های که سرانجام در نسیم ملایم « بهار عربی » جلوگیری میکرد . متأسفانه چنانچه به ملاحظه میرسد دمیدن روح پویا و ایفای نقش مستقل در جهان کنونی بسیار ضعیف است .

آیا با تدویر این کنفرانس چهره امریکا برای کشور های منطقه و جهان بخصوص کشور های که بر عدم وابسته گی با قدرت های بزرگ و امریکا تظاهر میکنند افشاً نخواهد شد . و پرده از ریاکاری های امریکا بیرون خواهند آفتید ؟

به نظر من اگر جهان کنونی غرب بویژه نظام سرمایه داری معاصر را مورد مطالعه قرار دهیم خواهیم دید که نظام سرمایه داری معاصر بر خلاف قدیم با شیوه ها و تاکتیک های جدید وارد میدان شده و عمل میکنند و لزوماً با ید « جنبش غیر متعهد ها » نیز به شمول کشور های اسلامی ، نهاد های حقوقی و حقیقی منجمله حرکت های آزادی بخش و عدالت خواهانه در سرتا سر جهان از این شیوه ها و اسلوب های غارتگری معاصر ی که نظام سرمایه داری به سطح جهان و منطقه بر آن مجهز است شناخت لازم و کافی داشته باشند . و بصورت عالمانه پرده از تزویر نظام سرمایه داری معاصر بردارند . و درک کنند که چگونه نظام سرمایه داری معاصر با در دست گرفتن ابزار مشروعیت دهی ملتها را غارت میکنند ؟ ابزاری مانند جامعه مدنی ، احزاب ، روزنامه ها ، وسائل ارتباط جمعی از قبیل رادیو ، تلویزیون و غیره که مردم آزادی خواه بویژه ساکنان مشرق زمین با توصل به آن استعمار گران خارجی را مجبور به ترک سرزمین های اشغالی ساخته بودند و با تأسف فراوان که امروز و در جهان کنونی همین وسائل که مهمترین منبعی از « مشروعیت » بشمار می آمد ، به مثابه جاده صاف کن نظام سرمایه داری و استعمار جدید مورد استفاده قرار میگیرند . همین شیوه و بکار گیری وسائل مشروعیت دهی در راه استعمار و سلطه نظام سرمایه داری سبب شده اند تا در جوامع عقب مانده شرقی بجای « حق زور بودن » ، « زور حق » تلقی

گردد. زیرا در صورت «قبضه نامشروع بر وسائل مشروعیت دهی» ظلم و جنایت، در یک جامعه عقب نگه داشته شده، به فرهنگ عمومی مبدل میگردد. البته این عملیه و این شیوه استیلا گری نظام سرمایه داری معاصر تا آنجا به پیش میرود که دو مؤلفه مهمی چون «مذهب و دموکراسی» را نیز بدون در نظر داشت روح اصلی ملتها، در راستای اعتیاد به قدرت و ثروت ملتها تفسیر و قرئت سازی می شوند. این روش استیلا گری باید تشخیص و در برابر آن اقدامات لازم به عمل آیند و تمامی منفذ های که استعمار و نظام سرمایه داری از طریق آن به درون ملتها نفوذ میکنند باید تشخیص و سپس مسدود گردند. البته استعمار نوین با تزریق دروغ و لاف زنی فاصله میان «واقعیت و حقیقت» را پُر میسازند لهذا باید تمامی نیروهای مستقل جهانی، کشورها و شخصیت های آزادی خواه دنیا و منطقه منجمله کشور های غیر متعهد باید این منفذ ها را مسدود سازند. این کار ممکن نیست مگر اینکه انسان های آزادی خواه و عدالت طلب جهان در میان شان وجوهات مشترک فکری و فرهنگی ای داشته باشند این مسأله در تمامی زمینه ها اعم از حرکت های آزادی بخش ملی و «کنفرانس کشورهای غیر متعهد ها» باید در نظر گرفته شود. زیرا بدون وجود یک نگاه جهان بینی مشترک میان آحادی از یک نسل و یک کتله ای از مردمان نه میتوانند به نتایج مطلوبی نائل آیند.

ی آقا فروتن! می بینیم که بالاخیره ملتها نیز برخلاف خواست استعمار در منطقه، جهان غرب و حتی ایالات متحده امریکا به یک بیداری رسیده اند و بالاخیره امریکا بصورت کاذب مشروعیت یافته است مردمان جهان نیز با بیداری بینظیری آنرا درک و کشف کرده اند، آیا نه میتوان «نهضت کشورهای غیر متعهد ها» از آن استفاده کنند؟

ما باید این را درک کنیم که آیا این بیداری راستین است و یا هم بصورت مصنوعی خویش را بیدار می شمارند؟ در حالیکه یکتعداد حرکت ها و نهضت های که ما آنرا بیدار می نامیم یک بیداری کاذب است. این گونه شبه بیداری از همان جنس نظام سرمایه داری است، مانند افغانستان و پاکستان و یاهم کشور های دیگری. بدین معنی که مقتضای استعمار و نظام سرمایه داری این است که مردم را بصورت کاذب بیدار کنند. و اینگونه «بیداری کاذب» بیش از هر بیماری دیگری خطر ناک تر است. زیرا این کتله ای که بصورت کاذب حامل شعار های آزادی خواهان و استقلال طلبان اند بصورت ویژه از سوی نظام سرمایه داری جهانی کنترل میگردد. تا آنگاهی که انسان امروزی نتواند در زیر چتر آزادی کامل حقیقت را بیان کند، خیلی گران و سخت است تا با بیداری های کاذب دل های مانرا خوش سازیم. این یک واقعیت است که در پیرامون ما بیداری را می بینیم اما سوال اینجاست که چگونه بیداری؟، بیداری راستین و یاهم کاذب و فریبنده؟! زیرا می بینیم که اکثریتی بیداری ها ما سوا از بیداری در خاور میانه و کشور های عربی که یک بیداری راستین است و بر مبنای یک تفکر استوار است و ریشه در تاریخ و تمدن باستانی خاور میانه دارد در مقابل این نوع بیداری راستین در اکثر مناطق خاور میانه و جهان بیداری های کاذبی نیز به مشاهده میرسند. خواست اصلی نظام سرمایه داری معاصر این است که با شعار های مخالف گونه ضد امریکائی و ضد نظام سرمایه داری بازار کاذب و مکاره ء صدور دموکراسی مافیائی و قرنتی از مذهب تخدیری را گرم نگه دارند. ما وظیفه داریم تا این فرآیند را تشخیص

کنیم که چه کسی برآستی هم شعار مطلوب را سر میدهند و حامل چه شعاری از بطن توده ها برخاسته است و چه کسی از قصرها و آسمان خراشها و موترهای با شیشه های دودی شعار آزادی و عدالت را سر میدهند؟ بدون شک که این نوع بازار گرم ساختن بر شعار های دروغین خواست اصلی نظام سرمایه داری دانسته میشود .

آقای فروتن ! شما بالاخیره دور نمای نهضت غیر متعهد ها را چگونه میبینید ؟

من خدمت شما به عرض رساندم که اقدامات کشور های عضو « کنفرانس غیر متعهد ها » متناسب به مشروعی است که حکومت ها از بطن مردم و توده ها برخاسته باشند . به عقیده من در میان اکثریتی از کشور های عضو « کنفرانس غیر متعهد ها » حکومت های وجود دارد که به اساس اراده مردم و بصورت دموکراتیک انتخاب نه شده اند و هیچگاه اراده مردم را تمثیل نه میکنند .

آیا قدرت های که بصورت مستقل در این کنفرانس حضور دارند و از متن توده ها و ملتها برخاسته اند در این مسیر میتوانند نقش بازی کنند یا نه ؟

چرا نه ! میتوانند نقش بازی کنند مگر قبل از همه باید مشکلاتی که در کشور های خویش دارند به آنها رسیده گی کنند و سپس به حل مشکلات جهان و منطقه بپردازند . طوری که باید در حوزه حل مشکلات جهان و منطقه حرفی برای گفتن داشته باشند ، تا جائیکه دیده میشود در اکثریتی از کشور های عضو «کنفرانس کشور های غیر متعهد » مشکلات و دشواری های جدی موجود است . چگونه میتوانند به مشکلات و نیازمندی های اصلی انسان امروزی بپردازند در حالیکه از ارائه هرگونه نسخه قابل عمل برای مردم خویش عاجزاند . تا آنگاهی که از شناخت ماهیت نظام سرمایه داری عاجز باشند طبعاً نه میتوانند در برابر آن به مقابله برخیزند . خلاصه اینکه بزرگترین دستاورد گردهم آئی « کنفرانس کشور های غیر متعهد » بدون ضمانت اجرایی در حد صدور یک قطعنامه محدود و محصور خواهد ماند . تا جائیکه دیده می شود ممکن است این گردهم آئی با تمامی تشریفات لازم دائر گردد ، و ریاست جنبش غیر متعهدها از کشور مصر به جمهوری اسلامی ایران منتقل شود و شاید یک مرکز انسجام کشور های عضو در حد یک دارالانشأ « دبیر خانه » نیز در نظر گرفته شود ، اما نباید بر ظواهر مسأله اکتفا گردد بلکه به روح و استراتژی اصلی « کنفرانس کشور های غیر متعهد ها» باید نظر انداخت .

آیا ایران نخواهد توانیست که به این « کنفرانس » روح تازه انتقال دهد ؟

نه هرگز نه ، بخاطریکه این نهضت از پایه و اساس بروی اهداف دیگری استوار است و برخی کشور ها بصورت دستوری و هدایت شده در این کنفرانس شرکت دارند لهذا سخت است که به تلاش کشور یا کشور های خاصی امی داشت .

چنانچه شما هم اشاره نمودید در کشور اسلامی مصر آقای محمد مُرسی رهبر حزب آزادی و عدالت به نمائنده گی از نهضت اخوان المسلمین مصر به قدرت رسیده است و چنانچه آگاه هستید در کنفرانس تهران در رأس یک هئات بلند رتبه اشتراک خواهند کرد همچنان تونس که قدرت در دست اسلام گرایان آفتیده است ، آیا امکان آن وجود دارد که ایران با کم از کشور های هم عقیده اسلامی به سازمان کنفرانس غیر متعهد ها جهت ببخشد ؟

در حالیکه در میان همین کشور های اسلامی هم که نباید کشور های با هویت « غیر متعهد ها » در باره آن قضاوت کرد تا هنوز مشکلات عدیده ای وجود دارد ، از یکسو دولت جدید مصر با احتیاط کامل با موانع و مشکلاتی که به مثابه یک چالش بزرگ در برابر آن قرار دارد مقابله میکند و از سوی دیگر در راستای استحکام پایه های تفکر و اندیشه مذهبی شان با متانت و استواری گام به گام به پیش میرود نباید از زمامداران تازه کار مصر و تونس توقعات بیش از حد داشت .

—

منبع :

<http://pashto.irib.ir/>